



Introduction and Reserch in Helali Ghagatay's New Elegies

Mohammadreza Yousefi¹ Davood Rafiei²

1.Persian language and literature, Department of Persian Language and Literature University of Qom, Qom, Iran...E-mail: myousefi46@yahoo.com

2.Corresponding Author, University of Qom, Qom, Iran. E-mail: Fouladi2@yahoo.com

Article Info

ABSTRACT

Article Type:
Research Araticle

Article History:

Received:
17, July, 2023

In Revised form:
28, November, 2023

Accepted:
26, February, 2024

Published Online:
10, March, 2024

There are four elegies (three complete and one incomplete) in the Hilali's Divan, one of them is quoted in Indian stone prints and the other three in two manuscripts, one of them is undated and the other in 1315 AH. It is unclear why in the manuscripts of the Hilali's Divan, especially those of the ten and the eleventh centuries, and in the Indian and Iranian stone prints, there is little evidence of his elegies. However, in search of the poems and collections of the poem, was found twelve other elegies from the him poet. The main reasons we have for accepting the authenticity of this quotation to the Hilali is one of the poet's verses, which are found in the final verses of this passage. Another attribution of this parable to the Hilali is that of the scribes, who are usually regarded as Hilali at the beginning of the poems. The existence of some of these passages - with differences in phrases and number of verses - in different versions indicates that the poems were attributed to the Hilali in different periods. Research on the Hilali's new elegies reveals some of the hidden aspects of his life and thought, as well as the number of those whom the Hilali craves.

Keywords:

Hilali Ghagatay, manuscripts of poetry collections, new elegies, persons that are this praised.

Cite this The Author(s): Yousefi, M., Rafiei, D: 2024. The Roots of Anecdote in The Language of Mysticism until The End of The Third Century (Based on The Works of Shaiq, Hares Mohasebi, Nouri, Kharraz, Junaid), Persian Litreture. Vol. 13, No. 2, Serial No. 32- Autumn-Winter, (151-168). DOI: [10.22059/jpl.2024.362101.2187](https://doi.org/10.22059/jpl.2024.362101.2187)



Publisher: Unversity of Tehran Press



یک نظر جانب هلالی کن (هلالی جغتایی در آینه دوازده قصیده نو یافته اش)

محمد رضا یوسفی^۱ داود رفیعی^۲ ✉

۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: myousefi46@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: davood_rafiei14@yahoo.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

علمی- پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۴/۲۶

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۲/۰۹/۰۷

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۱۲/۰۷

تاریخ انتشار:

۱۴۰۲/۱۲/۲۰

در تصحیحی که سعید نفیسی از دیوان هلالی به دست داده، چهار قصیده وجود دارد که یکی از آنها از روی چاپ‌های سنگی هندوستان نقل شده و سه قصیده دیگر از روی دو نسخه خطی که یکی از آنها بدون تاریخ است و دیگری در تاریخ ۱۳۱۵ هجری قمری کتابت شده. معدودی از تذکره‌نویسان به قصیده‌سرایی هلالی او اشاره کرده‌اند، اما در نسخه‌های خطی دیوان هلالی بویژه نسخه‌های سده‌های ده و یازده و چاپ‌های سنگی هندی و ایرانی چندان اثری از قصاید او نیست. در جست‌وجوی جُنگ‌ها و سفینه‌های شعر، علاوه بر قصایدی نفیسی یافته بود، دوازده قصیده دیگر نیز از این شاعر پیدا شد. عمده‌ترین دلایلی که برای پذیرش صحت انتساب این قصاید به هلالی داریم یکی تخلص شاعر است که در ابیات پایانی بیشتر این قصاید آمده؛ دیگر انتساب این قصاید به هلالی از جانب کاتبان است که معمولاً در ابتدای قصیده‌ها، آنها را از هلالی دانسته‌اند. همچنین وجود برخی از این قصاید - با اختلافاتی در عبارات و تعداد ابیات - در نسخه‌های متفاوت در دوره‌های مختلف، نشانگر این است که این اشعار از هلالی است. پژوهش روی قصاید نو یافته هلالی برخی از زوایای پنهان زندگی و اندیشه او را - مانند مذهب وی - و شماری از کسانی را که هلالی آنها را مدح گفته از جمله یار احمد و شاه حسین اصفهانی (وکلاهی شاه اسماعیل) و حبیب‌الله ساوجی وزیر دورمیش خان، مشخص و روشن می‌سازد. همچنین آشنایی و تتبع شاعر از منوچهری، انوری، نصرالله منشی، سلمان ساوجی، کمال اسماعیل و... را نشان می‌دهد.

هلالی جغتایی؛ جُنگ‌های شعر؛ قصاید نو یافته هلالی؛ شعر سده دهم.

واژه‌های کلیدی:

استناد: یوسفی، محمد رضا؛ رفیعی، داود. (۱۴۰۳). یک نظر جانب هلالی کن (هلالی جغتایی در آینه دوازده قصیده نو یافته اش ادب فارسی. سال ۱۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، پیاپی ۲۳. (۱۶۸-۱۵۱).

DOI: 10.22059/jpl.2024.362101.2187



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

با هلالی جغتایی (جغتایی) یکی از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری است. سعید نفیسی و به پیروی از او، احمد تمیم‌داری، هلالی را از بهترین غزل‌سرایان و یکی از بزرگترین شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری دانسته‌اند. (رک: نفیسی، مقدمه دیوان هلالی، ۱۳۷۵: پنج و تمیم‌داری ۱۳۸۹: ۲۷۸) تذکره‌نویسان هلالی را به بزرگی و توانمندی در شاعری ستوده‌اند، ولی متأسفانه اطلاعات چندانی از زندگی این شاعر در کتب تذکره نیست. آنچه در عموم تذکره‌ها آمده و سعید نفیسی نیز در مقدمه دیوان آنها را ذکر کرده این است که هلالی در استرآباد زاده شد و دارای حسن صورت بود. در جوانی به هرات رفت و تحت پرورش امیرعلیشیر نوایی قرار گرفت. سرانجام عبیدالله‌خان ازبک او را به جرم شیعه بودن کشت. (ن.ک مقدمه دیوان هلالی، صص پنج تا بیست.) این مطالب با کیفیت‌های مختلف در تذکره‌ها تکرار شده است. البته تفاوت‌هایی نیز در تذکره‌ها هست چه در نام هلالی و چه در مذهب او که در اینمقال به آن پرداخته نمی‌شود. هلالی در کنار جامی، کاتبی، اهلی و حتی علیشیر نوایی یکی از شاعران بزرگ آن دوره بوده است، ولی مشخص نیست چرا تا این حد منتقدان، ادیبان و مصححان به او بی‌توجه بوده‌اند. شاید اگر اهتمام سعید نفیسی به تصحیح آثار و ارائه گزارشی از زندگانی او نبود، امروز هلالی در کم‌نام‌ونشان بودن در شمار شاعرانی چون خواجه آصفی و امیرهمایون و نرگسی و ریاضی تربتی قرار داشت.

بر اهل ادب پوشیده نیست که بیشتر آثاری که در سالهای دور تصحیح شده‌اند از جمله دیوان هلالی مصحح نفیسی، نیازمند بازنگری و تصحیح دوباره است؛ با این حال کوشش‌های وی در تصحیح این آثار و حفظ آنها از گزند خمول و فراموشی شایسته سپاسگزاری است.

۱-۱. مسأله پژوهش

در میان جُنگ‌های شعر که در سه‌چهار سده اخیر نوشته شده، به قصیده‌هایی برمی‌خوریم که به نام هلالی ثبت شده است. این قصیده‌ها نه در چاپ سعید نفیسی هست و نه در چاپ عباس یزدی که تقریباً همان تصحیح نفیسی است ولی بدون ذکر نام مصحح - جالب آنکه در چاپ‌های سنگی و حتی فراتر از آن، در نسخه‌های خطی دیوان هلالی که در قرن‌های ده و یازده و پس از آن نوشته شده، از این قصاید اثری دیده نمی‌شود. نمی‌دانیم چرا کاتبان نسخه‌های خطی دیوان هلالی، قصاید او را ثبت نکرده‌اند یا نهایتاً یکی‌دو قصیده را از او نوشته‌اند. با توغل و تعمق در جُنگ‌ها و سفینه‌های شعر که در سده‌های ده و پس از آن کتابت شده، قصاید جدیدی از هلالی یافته‌ایم که در معرفی سبک قصیده‌پردازی وی و معرفی ممدوحانش سودمند است.

درباره انتساب قصاید پیدا شده به هلالی باید گفت که پرداختن به انتساب قصاید پیدا شده به هلالی با معیارهای سبک‌شناسانه از جنبه «سبک فردی» چندان راهگشا نخواهد بود، زیرا اولاً بنا به گفته سبک‌شناسان «در عالم هنر همه صاحب سبک فردی نیستند؛ یعنی بسامد مختصات و ویژگی‌های سبک‌آفرین در آثار آنان آنقدر نیست که باعث تشخیص فردی شود.» (شمیسا، ۱۳۷۷: ۶۹) هلالی نیز از آن دست شاعرانی است که سبک شاخص فردی ندارد. ثانیاً تعداد کم قصاید

مجال چندانی برای رسیدن به معیارهای سبک فردی شاعر فراهم نمی‌کند. بنابراین از جمله دلایلی که برای پذیرش انتساب این قصاید به هلالی داریم، **یکی اینک**ه مورخ همدوره هلالی دیوان «**قصاید**» و غزلیات او را مشهور دانسته؛ (خواندمیر، ج ۷، ۱۳۸۰: ۶۰۰۵) همچنین بعدها واله داغستانی نیز از قدرت قصیده‌پردازی او سخن گفته است. (واله داغستانی، ج ۴: ۲۴۹۳) پس حتماً هلالی بیش از چهار قصیده‌ای که در تصحیح نفیسی هست و شاید بیش از این تعداد قصیده که از او به دست آمده، قصیده داشته است. **دوم اینک**ه شاعر در ابیات پایانی بیشتر این قصاید، تخلص خود را آورده. **سوم اینک**ه کاتبان نسخه‌هایی که قصاید هلالی در آنها درج است (این نسخه‌ها در ادامه معرفی خواهند شد)، در ابتدای هر قصیده نام شاعر آن را نوشته‌اند. تقریباً در تمام این نسخه‌ها قصایدی که یافته‌ایم، از جانب کاتبان به نام هلالی ثبت شده است. این مطلب زمانی اهمیت می‌یابد که عموم قصایدی که در اقتفای یک قصیده خاص سروده شده، یکی پس از دیگری در نسخه‌هایی که قصاید هلالی از روی آنها نقل شد، عمدتاً همراه با نام شاعران آنها ثبت شده که بسیاری از این شاعران، با هلالی همدوره هستند؛ بنابراین احتمال انتساب این قصاید به هلالی از جانب گردآورندگان این جنگ‌ها قوت بیشتری می‌گیرد. **دلیل چهارم** هم وجود برخی از این قصاید در نسخه‌های متفاوت است. از آنجا که در تعداد ابیات و برخی عبارات قصاید مندرج در دو نسخه تفاوت‌هایی هست، می‌توان پی برد که نسخه‌ها از مأخذ واحدی رونویسی نشده؛ بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که در «منابع» کهن‌تر هم این اشعار به هلالی منسوب بوده. در مجموع به نظر می‌رسد دست‌کم تا پیدا شدن نسخه‌های بهتر و کامل‌تر، باید به این جنگ‌ها اعتماد کرد.

این مقاله در پی آن است که به این پرسش پاسخ دهد که قصاید نویافته مزبور تا چه حد می‌تواند صفحات تار و غبار نسیان گرفته زندگی هلالی را بر اهل تحقیق روشن نماید؟ نویسندگان این مقاله امیدوارند شناسایی و فهرست‌نویسی برخی از جنگ‌ها و کتب شعر و سفینه‌هایی که در کتابخانه‌های مختلف جهان پراکنده و هنوز گمنام هستند، قصاید بیشتری از هلالی و دیگر سخن‌سرایان فارسی به دست دهد.

۲-۱. پیشینه پژوهش

درباره هلالی و شعر او پژوهش‌های درخوری انجام نشده و آنچه هم عنوان تحقیق دارد، گاهی تکرار همان مطالبی است که پیشتر مرحوم نفیسی گفته است. درباره سروده‌های نویافته هلالی - به‌طور عام - بجز کتاب «لیلی و مجنون هلالی» تقریباً پژوهش دیگری نیست. تصحیح این کتاب بر پایه نسخه منحصر به فرد این اثر است که در کتابخانه ملی تبریز نگهداری می‌شود. درباره قصاید هلالی - به‌طور خاص - می‌توان گفت هیچ پژوهشی انجام نشده است. پژوهش حاضر بر شعر هلالی و بویژه اشعار نویافته او تمرکز دارد.

۳-۱. روش پژوهش

این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و بر پایه بررسی نسخه‌های خطی است.

۲. بحث

در این نوشتار ابتدا نسخه‌ها و منابعی که قصاید هالالی در آن درج شده بویژه از نظر اهمیت، اصالت و سبک نسخه‌پردازی، معرفی می‌شود و پس از آن، هر قصیده جداگانه از نظر صورت و محتوا بررسی و تحلیل می‌گردد؛ سپس نتایج به‌دست‌آمده از این تحقیق و بررسی ارائه خواهد شد.

۱-۲. معرفی نسخه‌هایی که قصاید نو یافته هالالی در آنها آمده

مؤلف تاریخ حبیب‌السیر که خود هم‌دوره هالالی بود و اتفاقاً در هرات می‌زیست، دیوان قصاید و غزلیات او را مشهور می‌دانست. (خواندمیر، ج ۴، ۱۳۸۰: ۳۶۲؛ نیز بنگرید به میرخواند، ج ۷، ۱۳۸۰: ۶۰۰۵) در تذکره‌ها و کتاب‌های تاریخی آن دوره معمولاً یا اشاره‌ای به قصیده‌سرایی هالالی نشده یا در بهترین حالت، یکی دو بیت از قصیده‌ای را که او در مدح خان ازبک سروده نقل کرده‌اند. (ن.ک واله داغستانی، ج چهارم ۱۳۸۴: ۲۴۹۳ و روملو، ۱۳۵۷: ۲۹۴) مطلع قصیده این است:

خراسان سینۀ روی زمین از بهر آن آمد
که جان آمد در او یعنی عبیدالله‌خان آمد

(هالالی، دیوان: ۲۰۳)

البته در برخی دیگر از کتاب‌هایی از همین دست، به یکی دیگر از قصاید هالالی که در منقبت حسین (علیهما السلام) سروده شده و در نسخه‌های چاپ سنگی و تصحیح نفیسی نیز هست، اشاره شده است. (ن.ک واصفی، ۱۳۴۹: ۱۸۸) مطلع این قصیده نیز چنین است:

تخت مرصع گرفت شاه ملمع‌بدن جیب مرقع درید یوسف گل‌پیرهن

(هالالی، دیوان: ۲۰۵)

با وجود اینکه دیوان هالالی به‌صورت چاپ سنگی بارها در هندوستان منتشر شده، مع‌الأسف در این طبع‌ها فقط یک قصیده از هالالی آن هم در موضوع «شتر - حجره»‌های مرسوم آن عصر، با این مطلع ثبت شده است:

شتر کشیدی اگر بار دل به حجره تن
شدی نزار شتر زیر بار حجره من

(همان: ۲۰۸)

نفیسی در تصحیح این قصیده، فقط از دو چاپ هفتم و یازدهم از چاپ‌های سنگی مذکور بهره برده است.

در تصحیحی که نفیسی از دیوان هالالی از به‌دست داده، فقط چهار قصیده از هالالی (سه قصیده کامل و یک قصیده ناقص) را ثبت کرده است. در میان جنگ‌ها و سفینه‌های فراوانی که از قرن ده و پس از آن برجای مانده، می‌توان قصاید دیگری از هالالی یافت. از سه جنگ استنساخ شده در چندسده اخیر تعداد دوازده قصیده از هالالی پیدا شده است. مشخصات نسخه‌هایی که این قصاید در آنها درج است، چنین است:

الف) نسخه شماره ۱ مجموعه‌ای از قصاید به نام **مجمع‌القصاید** که به شماره ۴۹۴۵ در کتابخانه ملک نگهداری می‌شود. تاریخ کتابت این مجموعه ۱۲۵۷ هجری است و ۲۹۹ ورق دارد. این جُنگ مجموعه‌ای از قصاید است که در انتها تعدادی مسمّط و ترکیب‌بند نیز دارد و در حاشیه آن، مثنوی تیمورنامه نوشته شده است. به نظر می‌رسد این مجموعه بیش از یک کاتب داشته است زیرا نوع دستخط در حاشیه و متن متفاوت می‌نماید؛ ضمن اینکه پس از اتمام تیمورنامه، سروده‌های دیگری به خط و مرکب دیگر نوشته شده است. در انتها نیز نام سه کاتب چنین آمده: «به خط حقیر فقیر علی اکبر سنه ۱۲۵۷» و «به خط حقیر فقیر _____ سنه ۱۲۵۷» و «به خط حقیر فقیر _____ ۱۲۵۷». افزوده می‌شود که در چندجای کتاب، مُهر «علی اکبر» دیده می‌شود. در پایان قصاید این عبارت آمده: «تمّت القصاید دویست و شش قصیده از هر کس».

ب) نسخه شماره ۲ جنگ اشعار است که به شماره ۵۵۹۷ در کتابخانه ملک نگهداری می‌شود. متأسفانه این جُنگ که ۲۲۴ ورق دارد، ناقص است و تا حرف «ر» بیشتر ندارد و شامل مجموعه‌ای از قصاید است که هم در متن و هم در حاشیه نوشته شده است. در صفحات آن، دو مُهر «محمدحسن» و «عین‌الراجی محمد» قابل تشخیص است. با توجه به افتادگی نسخه، کاتب و نیز تاریخ کتابت معلوم نیست؛ البته در ورق اول نسخه‌این عبارت نوشته شده است: «کتاب جنگ اشعار فصاحت‌شعار شعرای ترک و غیر که در ارض اقدس در شهر شوال سنه ۱۲۵۲ به مبارکی ابتیاع شد.» بنابراین می‌توان حدس زد که تاریخ کتابت آن پیش از ۱۲۵۲ و نهایتاً در ۱۲۵۲ است. این جُنگ دارای هشت قصیده از هلالی است که پنج قصیده آن با نسخه پیشین مشترک است.

ج) نسخه شماره ۳ جنگ نظم و نثر است که به شماره ثبت ۸۷۶۹۸ و شماره بازیابی ۱۳۷۹۴ در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود. این نسخه متعلق به قرن نهم دانسته شده که البته این تاریخ اشتباه است زیرا: الف) از جامی با دعای «قدس سره» یاد کرده و می‌دانیم که جامی در ۸۹۸ هجری از دنیا رفته است؛ ب) اشعاری از شاه اسماعیل صفوی متوفی ۹۳۰ در این مجموعه هست؛ ج) ماده تاریخ درگذشت امیرعلیشیر نوایی و نیز شاه اسماعیل هم در این جنگ آمده است.

در این جُنگ به دو زبان فارسی و ترکی هم نظم هست و هم نثر. پایان مجموعه افتاده است و به نظر می‌رسد ابتدای آن نیز ساقط شده باشد زیرا آغاز مجموعه با قصیده‌ای با حرف روی «ر» است و پس از آن، قصاید به ترتیب حروف الفبا مرتب شده است. این مجموعه که به خط نستعلیق است، ۱۳۴ ورق دارد و تاریخ کتابت و نام کاتب آن معلوم نیست. در این جُنگ یک قصیده از هلالی درج شده که در نسخه شماره ۲ هم آمده است.

۱- شاید: کرمعلی.

۲- قابل خواندن نیست.

۲-۲. اشعار نویافته هلالی

الف) قصیده نخست:

ابر آمد و از سبزه بیاراست جهان را جوشی و خروشی است زمین را و زمان را

این قصیده که در بحر هزج (مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن) سروده شده، در نسخه شماره ۲ آمده و ۳۸ بیت دارد. هلالی این قصیده را به اقتضای قصیده انوری با این مطلع سروده است:

باز این چه جوانی و جمال است جهان را و این حال که نو گشت زمین را و زمان را

(انوری، دیوان: ۹)

هر دو قصیده با توصیف بهار آغاز می‌شود و با مدح ممدوح ادامه یافته به دعا برای او پایان می‌پذیرد. هلالی این قصیده را در مدح سلطان محمود نامی سروده است. در دودمان تیموری دو «سلطان محمود» به سلطنت رسیدند؛ یکی محمود بن بابر بن بایسنقر که تنهافرزند بابر بود و در سال ۸۶۱ هجری در یازده سالگی (خواندمیر، ج ۴، ۱۳۸۰: ۵۷) و بنا به قولی، در نه سالگی (قزوینی، ۱۳۸۶: ۲۲۹) به سلطنت رسید، ولی سلطنت او دوام چندانی نداشت و در سال ۸۶۳ هجری پسرعمویش - ابراهیم بن علاءالدوله - بر او شورید و او پس از شکست، به استرآباد گریخت و دیگر هرگز به تخت سلطنت بازنگشت. (خواندمیر، پیشین: ۶۵) به بعد؛ نیز بنگرید به قزوینی، پیشین: ۲۲۹) دومین کس محمود بن ابوسعید بود که در ذی‌قعدة ۸۹۹ هجری در سمرقند به سلطنت رسید و چند ماه بعد، در ماه ربیع‌الآخرو بنا به قولی در ماه محرم (قزوینی، پیشین: ۲۳۲) سال ۹۰۰ درگذشت. (خواندمیر، پیشین: ۹۸) هلالی در این قصیده اشاره‌ای به بُعد مکان خود با ممدوح دارد که شاید منظور از آن، حضور سلطان محمود در سمرقند و حضور هلالی در هرات باشد:

شاهها ز تو بس دورم و دارم به تو قری قری که منافی نبود بُعد مکان را
بعید به نظر می‌رسد که هلالی دوره حکومت محمود بن بابر را درک کرده باشد، بنابراین باید مدیحه هلالی را مربوط به سلطان محمود بن ابوسعید دانست.

ب) قصیده دوم:

ای از کمال مهر تو را چاکر آفتاب مه بنده کمین و از آن کمتر آفتاب
این قصیده که در بحر مضارع (مفعول فاعلات مفاعیل فاعلان) سروده شده، در نسخه‌های شماره ۱ و شماره ۲ آمده و ۲۶ بیت دارد. البته دو نسخه اندک‌اختلافاتی با یکدیگر دارند چنانکه مثلاً ابتدای مصراع دوم مطلع (مه بنده کمین و ...) در نسخه شماره ۱ به صورت «من بنده کمین و...» ثبت شده است. سرودن قصیده با ردیف آفتاب در شعر فارسی بی‌سابقه نیست و در سده ششم نمونه‌هایی از آن را حتی در همین وزن قصیده هلالی می‌توان در میان اشعار خاقانی (دیوان: ۵۸)^۱ و اثیر اخسیکتی (دیوان: ۳۱)^۱ و انوری (دیوان: ۱۹)^۱ دید. این نظیره‌گویی تا دوران

۱- ای عارض چو ماه تو را چاکر آفتاب/ یک بنده تو ماه سرد دیگر آفتاب (خاقانی)

هلالی و حتی پس از آن نیز ادامه داشته است؛ چنانکه در دیوان حزین لاهیجی (دیوان: ۶۹)^۳ و امیرعلیشیر نوایی (دیوان: ۴۷)^۴ و میرحاج (مجمع‌القصاید: برگ ۵۲)^۵ هم‌منظیر آن هست. هلالی قصیده خود را در مدح امیر نجم سروده است؛ امیر یاراحمد اصفهانی که به نجم ثانی مشهور و در برهه‌ای از زمان وکیل نفس شاه اسماعیل صفوی بود. (خواندمیر، پیشین: ۵۲۷) در سال ۹۱۷ هجری، شاه اسماعیل بنا به درخواست محمد بابر که در ماوراءالنهر حکومتی داشت و با ازبکان در کشمکش بود، امیر نجم را به یاری بابر فرستاد. امیر نجم ابتدا فتوحاتی به دست آورد و حتی در شهر قرشی قتل‌عام و غارت به راه انداخت که بنایی شاعر یکی از کشته‌های این شهر بود. اما سرانجام به دلیل اختلافاتی که میان فرماندهان بروز کرد، سپاه نجم شکست خورد و امیر نجم و بسیاری دیگر از بزرگان سپاهش کشته شدند. (خواندمیر، پیشین: ۵۲۶ به بعد؛ قزوینی، پیشین: ۲۸۳ به بعد؛ شکر، پیشین: ۳۷۹ به بعد)

ج) قصیده سوم:

سری البدرُ لیلاً بنور الکواکب شب ماه‌رخسار مشکین ذوائب

هلالی قصیده‌اش را به پیروی از قصیده مشهوری با مطلع زیر سروده:

سلام علی دار أم‌الکواعب بتان سیه‌چشم عنبرذوائب

این قصیده به حسن متکلم نیشابوری منتسب شده و حتی در نسخه شماره ۲ نیز به نام او درج است، اما امید سروری در پژوهشی که انجام داده، آن را از نصرالله منشی دانسته است. (سروری ۱۳۹۳: ۱۱۵-۱۲۳) این سروده در قرن‌های ۹ و ۱۰ مورد استقبال شاعران قرار داشت و آنها نیز مانند هلالی، قصایدی در تتبع آن سروده‌اند. از شاعران این دوره که نظیره‌های آنها در نسخه‌ها و به ویژه نسخه شماره ۲ درج است می‌توان به بنایی، میرحاج، امیدی، حیرتی و طاهر دکنی اشاره کرد.

قصیده هلالی که در نسخه‌های شماره ۱ و شماره ۲ ثبت شده، در بحر متقارب (فعولن فعولن) است و ۴۵ بیت دارد (البته تعداد ابیات در نسخه شماره ۲، ۴۴ بیت است). این قصیده در مدح یکی از شاهان است ولی هلالی نامی از ممدوح نمی‌برد و فقط از او با این عبارات یاد می‌کند:

جلیل‌السخایا	جمیل‌العطایا	عظیم‌الموانع	عظیم‌المواهب
خداوند فرمان و فرمان حکمش	چو فرض خداوند بر بنده واجب	سپهر مقاصد جهان	مآرب
شه کامران کام	ارباب حاجت		

۱- گر مایه گیرد از رخت ای دلبر آفتاب / عاشق شود زمانه به صد دل بر آفتاب (اثیر اخسیکتی)

۲- ای از کمال حسن تو جزوی در آفتاب / خطت کشیده دایره شب بر آفتاب (انوری)

۳- ای پرتو جمال تو را مظهر آفتاب / آینه‌دار حسن تو نیک‌اختر آفتاب (حزین لاهیجی)

۴- از می طلوع کرد چو در ساغر آفتاب / عکس تو آفتاب دگر شد در آفتاب (علیشیر نوایی)

۵- ای آب عارضت زده آتش در آفتاب / روی تورا است خوبی و نامی بر آفتاب (میرحاج)

(د) قصیده چهارم:

باز این چه خزان است و چه گلگشت رزان خوش تازه‌بهاری است که در فصل خزان است
است

این قصیده نیز که در بحر هزج (مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن) سروده شده، در نسخه‌های شماره ۱ و شماره ۲ ثبت است. تعداد ابیات آن در نسخه شماره ۱، ۳۶ بیت و در نسخه شماره ۲، ۳۴ بیت است. علاوه بر این، دو نسخه در ضبط واژگان نیز اختلاف‌هایی با هم دارند. هلالی در این قصیده به بند نخست مسمط منوچهری نظر داشته است:

خیزید و خز آرید که هنگام خزان است باد خنک از جانب خوارزم وزان است

(منوچهری، دیوان: ۱۵۳)

به نظر می‌رسد هلالی قصیده خود را در مدح خواجه حبیب‌الله ساوجی سروده باشد چنانکه در دو بیت زیر، احتمالاً به نام و منصب او اشاره‌ای دارد:

آن خواجه که گر آصف عهد است همین است آصف چه بود بلکه سلیمان زمان است
فرخنده حبیبی است که محبوب قلوب است محبوبترین همه خوبان جهان است

خواجه حبیب‌الله ساوجی وزیر دانش‌دوست دورمیش‌خان - حاکم هرات از جانب شاه اسماعیل صفوی - بود. پس از اضمحلال دولت تیموری در نخستین سال‌های قرن دهم، هرات کانون درگیری‌های خانوادگی میان بازماندگان حکومت تیموری با یکدیگر و نیز آماج حملات ازبکان و همچنین نبردگاه صفویان با آنها بود. در سال ۹۲۷ هجری عیب‌الله‌خان ازبک برای تسخیر هرات حرکت کرد اما در برابر قزلباشان صفوی شکست خورد و گریخت. «خواجه حبیب‌الله روز یکشنبه ششم ماه صفر از سال ۹۲۸ وارد هرات شد و روز دوشنبه هفتم همین ماه، علما و سادات و صدور هرات را به حضور خواست و فرمان شاه اسماعیل را مبنی بر تفویض نواحی خراسان به دورمیش‌خان با اختیار کامل در عزل و نصب حکام، برای مردم هرات خواند.» (خواندمیر، ج ۱، ۱۳۸۰: ۱۶) در دوره حکومت دورمیش‌خان و وزارت خواجه حبیب‌الله، هرات برای مدت کوتاهی بار دیگر آرامش یافت.

خواجه حبیب‌الله همان کسی است که مؤلف کتاب حبیب‌السیر نام کتاب خود را از نام او گرفته زیرا قسمت زیادی از کتاب خود را به تشویق خواجه حبیب و در دوره وزارت او که قرین آرامش بود، نوشته است. (همان: ۱۶-۱۵)

(ه) قصیده پنجم:

گر مکان فوق لامکان باشد آن مکان خدایگان باشد

این قصیده که در بحر خفیف (فاعلاتن مفاعیلن فع لن) سروده شده، ۵۷ بیت دارد و در نسخه شماره ۱ ثبت است. هلالی سروده‌اش را در اقتفای این قصیده انوری سروده:

گر دل و دست بحر و کان باشد دل و دست خدایگان باشد

(انوری، دیوان: ۱۳۵)

انوری در ابیات پایانی قصیده‌اش، خود را این‌گونه در برابر ممدوح خوار می‌کند:

خسروا بنده را چو ده سال است که همی‌آرزوی آن باشد
... یا چه باشد که در ممالک تو شاعری خام‌قلتبان باشد

(همان: ۱۳۷)

هلالی نیز در انتهای قصیده‌اش، همان شیوه را در پیش می‌گیرد و تعبیری به کار می‌برد که یادآور مضامین اشعار عاشقانه پایان عصر تیموری است و در بعضی پژوهش‌ها به «سگیه» اشتهار یافته است:

یک نظر جانب هلالی کن تا چو خورشید خاوران باشد
بنده بندگان درگه توست گر تو گویی سگ سگان باشد

این قصیده نیز در مدح خواجه حبیب‌الله ساوجی است.

(و) قصیده ششم:

آنها که مدح آل پیمبر نوشته‌اند القاب شاه بر سر دفتر نوشته‌اند

این قصیده هم که در بحر مضارع (مفعول فاعلات مفاعیل فاعلان) سروده شده و ۲۹ بیت دارد، در نسخه‌های شماره ۱ و شماره ۲ ثبت شده. همان‌گونه که احتمالاً از مطلع برمی‌آید، این شعر در منقبت امام علی^(علیه‌السلام) سروده شده است. هلالی در سرودن این قصیده، به شعر خواجهی کرمانی نظر داشته؛ خواجه نیز قصیده خود را در منقبت امام علی^(علیه‌السلام) سروده؛ مطلع قصیده او این است:

وجه برات شام بر اختر نوشته‌اند اموال زنگ بر شه خاور نوشته‌اند

(خواجه: دیوان: ۵۸۴)

شاعران دیگری چون حیرتی و دعایی مشهدی نیز نظیره‌هایی بر این سروده دارند که اشعار آنها در نسخه شماره ۲ درج است. نکته‌ای که باید در نظر داشت این است که این قصیده هلالی

نمی‌تواند چندان دلیل محکمی برای شیعه‌مذهب بودن او باشد چه در برخی سروده‌های او به «چهار یار» (خلفای راشدین) اشاره شده که اگر افزوده نسخه‌نویسان نباشد، شیعه بودن او را مورد تردید قرار می‌دهد.^۱

ز) قصیده هفتم:

مگر که کار تو ای دل ز یار بگشاید وگرنه از تو و از من چه کار بگشاید

این قصیده که در بحر مجتث (مفاعلن فاعلتن مفاعلن فعلاّن) سروده شده، ۴۱ بیت دارد و در نسخه‌های شماره ۱ و شماره ۲ ثبت است. البته در دو نسخه اختلاف‌هایی در ضبط واژگان و عبارات دیده می‌شود؛ مثلاً مصراع دوم مطلع (وگرنه از تو و از من...) در نسخه شماره ۲ این‌گونه است: «وگرنه از من و از دل...».

هلالی قصیده‌اش را در استقبال از قصیده ظهیر فاریابی سروده؛ مطلع قصیده ظهیر چنین است: به حلقه‌ای که سر زلف یار بگشاید زمانه را و مرا هردو کار بگشاید

(ظهیر، دیوان: ۸۷)

قصیده‌هلالی در مدح سلطان حسین میرزا یکی از دولتمردان حکومت صفوی است که مدتی را در هرات بوده و در برخی از نبردهای صفویان و ازبکان حضور داشته است. در این قصیده که در مدح سلطان حسین میرزا سروده شده، نشانی‌هایی هست که امروز با استناد به آنها، می‌توان به هویت او پی برد؛ نخست اینکه هلالی او را وکیل شاه معرفی می‌کند:

در مراد که بر روی بنده بست فلک مگر وکیل شه کامکار بگشاید
محیط عالم احسان و لطف شاه حسین که از کرم کف دریانثار بگشاید

و دوم اینکه هلالی از او دور و وی در عراق (عراق عجم) است: تو در عراقی و هر دم قوافل کرمت رسد به خاک خراسان و بار بگشاید

در دولت صفوی شخصی به نام میرزا شاه حسین اصفهانی وکیل‌السلطنه شاه اسماعیل صفوی بود. او در سال ۹۲۰ و همزمان با جنگ چالدران از هرات به آذربایجان بازمی‌گشت که در راه مراغه، خانواده شاه اسماعیل را که پس از شکست در چالدران سرگردان شده بودند، یافت و به مراغه برد (شکری، ۱۳۵۰: ۵۰۱) و به همین سبب مورد توجه شاه صفوی قرار گرفت تا جایی که شاه او را وکیل‌السلطنه حکومت خود کرد.

ح) قصیده هشتم:

۱- در یکی از همین دوازده قصیده، این بیت هست: به اصحاب اربع که در ربع مسکون / کند بنده خواجه آن چار صاحب (کذا)

فلک زد نوبت شاهی در این فیروزه‌گون‌منظر به نام سرور مردان امیرالمؤمنین حیدر

قصیده در بحر هزج (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن) سروده شده و ۴۵ بیت دارد و در نسخه‌های شماره ۲ و شماره ۳ ثبت است. دو نسخه در ضبط واژه‌ها و عبارت اختلاف‌هایی دارند چنانکه مثلاً عبارت «در این فیروزه‌گون‌منظر»، در نسخه شماره ۳ «بر این فیروزه‌گون‌منظر» نوشته شده است. همان‌گونه که از مطلع برمی‌آید، این قصیده در منقبت امام علی (علیه‌السلام) است. نکته جالب در این سروده این است که نام دوازده امام (علیهم‌السلام) آمده است. شاعر پس از بیت زیر، امام را در یازده بیت، به یازده فرزندش (ائمه شیعه) سوگند می‌دهد:

شهنشاهها به حق حرمت اولاد امجادات که ایشانند بر اولاد آدم سید و سرور

و سپس از او می‌خواهد که

که روشن کن به نور خویشتن چشم هلالی را که از بدر منیر و نبر اعظم شود انور

البته با استناد به این اشعار نمی‌توان با قطعیت دربارهٔ مذهب هلالی نظر داد و شاید بهتر باشد به همان نتیجه سعید نفیسی برسیم که گفت: «اینکه وی پیرو طریقهٔ تسنن بوده است یا پیرو طریقهٔ تشیع، از اشعار وی نمی‌توان درست نتیجه گرفت، زیرا که گاهی از خلفای راشدین و گاهی از ائمه شیعه نام برده است و چنان می‌نماید که به مقتضای زمان به این سو و آن سو متمایل می‌شده است.» (نفیسی (مقدمهٔ دیوان هلالی)؛ ۱۳۷۵: بیست و یک)

ط) قصیده نهم:

ساقیا خیز که آمد به سر پا نرگس قدح از کاسه زر ساخت مهیا نرگس

این قصیده که در بحر رمل است (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع لاتن فع لن)، در نسخه شماره ۱ ثبت شده و ۲۶ بیت دارد و در توصیف زیبایی گل نرگس است و تصاویر شعری زیبایی دارد. البته در سه‌چهار بیت پایانی خطاب تغییر می‌کند و معشوق (یا احتمالاً ممدوح) مخاطب قرار می‌گیرد:

سوی گلزار خرامان شو و بالا بنمای تا زمانی فکند دیده به بالا نرگس

بامدادان که رخ از پرده چو گل بگشایی چشم بگشاید و آید به تماشا نرگس

در سرش نیست بجز دیدن رویت هوسی بهر این می‌طلبد دیده بینا نرگس

هرکه او رنگ سیاهی و سفیدی داند می‌کند فرق ز چشم سیهت تا نرگس

هلالی در سرودهٔ خودش به این شعر سلمان نظر داشته است:

خوش برآمد به چمن با قدح زر نرگس ساقیا باده که دارد سر ساغر نرگس

(سلمان، دیوان: ۵۳۷)

البتّه کمال الدین اسماعیل نیز قصیده‌ای با ردیف نرگس دارد، ولی وزن و قافیه آن متفاوت است و کاتبی شیرازی نظیره‌ای بر آن سروده است.

ی) قصیده دهم:

گر جان کنم به حسرت زآن لب نمی‌کنم دل دل کندن از لب او جان‌کندنی است مشکل

این قصیده در تصحیح سعید نفیسی هست ولی تعداد ابیات آن نسبت به آنچه در نسخه شماره ۱ آمده کمتر است، بنابراین در اینجا به این قصیده نیز پرداخته‌ایم. این قصیده در بحر مضارع (مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن) است. تعداد ابیات آن در نسخه شماره ۱، ۳۹ بیت است حال آنکه تصحیح نفیسی فقط یازده بیت دارد؛ ضمن اینکه اختلاف‌هایی نیز در نسخه شماره ۱ و نسخه چاپی دیده می‌شود. از جمله بیت‌هایی که در نسخه چاپی نیست، ابیاتی است که نام و احياناً زادگاه ممدوح را ذکر کرده:

نامش حبیب رحمان نقشش حبیب دوران ذاتش طیب درمان لطفش شفای عاجل
... آمد ز شهر ساوه بحری به این نواحی کز دُرفشانی او پر شد کنار ساحل

همان‌گونه که از ابیات برمی‌آید، این قصیده نیز در مدح خواجه حبیب‌الله ساوجی - وزیر دورمیش خان - است. قابل ذکر است که احتمالاً هلالی در سرودن این قصیده، به قصیده‌ای از سلمان ساوجی نظر داشته که مطلع آن چنین است:

زنجیر جعد زلفت زد حلقه بر در دل خیل خیال ماهت در دیده ساخت منزل

(سلمان، دیوان: ۵۵۲)

علاوه بر هلالی، این قصیده سلمان مورد تتبع شاعرانی چون امیرعلیشیر نوایی و امیدی و برخی دیگر قرار گرفته است.

ک) قصیده یازدهم:

ساقیا می ده که آمد جانب گلزار گل ساخت عالم را بهشت از دولت دیدار گل

این قصیده که در نسخه شماره ۱ ثبت است، در بحر رمل (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن) سروده شده و ۳۶ بیت دارد و در آن نسخه، به «قصیده گل» موسوم شده است. البتّه این نام عنوان عامی است که به همه قصایدی که بر این وزن و قافیه و ردیف هستند، اطلاق شده. در نسخه شماره ۱ از شاعرانی چون کاتبی، حیدر کلوجه‌پز، صبری و شاه فنایی نیز «قصیده گل» نقل شده. هلالی این مدیحه را نیز برای خواجه حبیب‌الله ساوجی سروده است.

ل) قصیده دوازدهم:

ای عزیزان جهان را ز تو صد حیرانی ثانی یوسف مصری و نداری ثانی

این قصیده هم در نسخه شماره ۱ ثبت است و در بحر رمل (فاعلاتن فاعلاتن فعلاتن فعلن) سروده شده. تعداد ابیات آن نیز ۳۰ بیت و در مدح خواجه محمدطاهر سروده شده است. از احوال این فرد هنوز اطلاعات خاصی نیافته‌ایم. به هر حال، بنابر آنچه از قصیده هلالی برداشت می‌شود، وی شاید یکی وزرای تیموری باشد زیرا هلالی در مدح او چنین می‌گوید:

صاحب سیف و قلم خواجه محمدطاهر آنکه می‌زیید اگر آصف عهدش خوانی

یا شاید دارای منصب پروانچی^۱ باشد چه هلالی در بیتی چنین گفته است:

به کفت کاغذ پروانه چو پیشش یابد شکل پروانه شود شمع شب ظلمانی

۳. نتیجه

سفینه‌های شعر و مجموعه‌های نثر بجای مانده از سده‌های گذشته حقیقتاً گنجینه‌ای ارزشمند از متون در تاریخ ادبیات فارسی هستند. خوشبختانه در سال‌های اخیر نسبت به شناختن و شناساندن و چاپ این مجموعه‌ها اهتمام شده است؛ نزهة‌المجالس، سفینه بولونیا، سفینه ترمذ، جنگ رباعی و مانند اینها - که عمدتاً مربوط به پیش از قرن دهم است - نمونه‌هایی هستند که در این ارتباط چاپ و منتشر شده است. برای اینکه شناخت بیشتری نسبت به شاعران، شعر آنها و به‌طور کلی جریان شعر پس از قرن ده به‌دست بیاید، لازم است که این کوشش درباره جنگ‌های شعر قرن دهم و پس از آن نیز انجام شود.

با استناد به نسخه خطی سه جنگ شعر مربوط به سه چهار سده اخیر، تعداد دوازده قصیده از هلالی به‌دست آمد. این دوازده قصیده در نسخه‌های خطی دیوان هلالی و در چاپ‌های سنگی هندی و ایرانی و به تبع آنها، در چاپ مرحوم نفیسی نیست. البته برخی از قصاید مندرج در چاپ‌های سنگی و چاپ مرحوم نفیسی در جنگ‌های معرفی شده نیز هست، ولی هم در تعداد ابیات و هم در برخی از واژه‌ها تفاوت‌هایی دیده می‌شود.

نظیره‌سرایی در شعر قرن ۹ و پس از آن یکی از مباحثی است که تحقیقی جامع را می‌طلبد. از میان سیزده قصیده معرفی شده از هلالی، دست کم یازده قصیده نظیره‌هایی بودند که به اقتضای سروده‌های قصیده‌گویان قرن‌های هفت و هشت ساخته شده است.

باید افزود که بر اساس این قصاید، شماری از ممدوحان هلالی شناخته شدند که می‌تواند راهی باشد برای پی‌بردن به گوشه‌هایی دیگر از زندگی هلالی جغتایی؛ از جمله اینکه قصاید مدحی هلالی گفته سعید نفیسی را مبنی بر اینکه هلالی «به مقتضای زمان به این سو و آن سو متمایل

۱- منصب پروانچی همان منصب «خزانه‌دار» است. (بنگرید به لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه پروانچی.)

می‌شده» (نفیسی (مقدمه دیوان هلالی)، ۱۳۷۵: بیست‌ویک)، تأیید می‌کند، زیرا هلالیدر سال ۹۱۶ و هنگامی که صفویان بر شیبک‌خان ازبک چیره شدند و او کشته شد - طبق آنچه در کتاب تاریخ راقم آمده - برای شیبک‌خان ماده‌تاریخ سروده: «... بعد از مقاتله و مجادله بی‌شمار، خان تهمتن‌شعار [شیبک‌خان (شیبانی‌خان)] در شهسور ۹۱۶ رخت هستی سوی ملک بقا درکشید و ملک فانی را پدروود کرد و عازم دارالملک باقی آخرت گردید. چون سیاه‌نامه سپاه قزلباش از زردروی رنگ دولت در چهره احوال نبود، اکثر ایشان کلاه‌سرخ بودند؛ تاریخ وفات خان سعادت‌نشان کلاه‌سرخ شده ... و مولانا هلالی در تسخیر شاه اسماعیل ملک خراسان را و کشته شدن شیبانی‌خان را تاریخ گفته است...» (راقم سمرقندی، ۱۳۸۰: ۹۴) چنانکه از متن استنباط می‌شود، نویسنده جانب ازبکان را داشته و احتمالاً ماده‌تاریخ هلالی نیز در همین راستا بوده است. اما همو هنگامی که صفویان قدرت خود را تقریباً در خراسان و بویژه هرات تثبیت کردند، در مدح فرماندهان و حاکمان صفوی قصیده سرود. همچنین وجود ابیاتی در یکی از قصاید که در آن از چهار یار (خلفای راشدین) سخن رفته، باعث تشکیک در شیعی بودن هلالی می‌شود. دیگر اینکه خواری در برابر ممدوح (و معشوق) که از ویژگی‌های بارز شعر قرن نهم است و شاعر تا جایی پیش می‌رود که خود را تشبیه به سگ می‌کند و گاهی حتی سگ را نیز برتر از خود می‌نهد، در قصاید هلالی نیز - هرچند اندک - نمود می‌یابد. این‌گونه اشعار در غزلیات هلالی فراوانی بیشتری دارد.

دربارۀ شیوه قصیده‌پردازی هلالی آنچه در بادی امر جلب توجه می‌کند تقلید هلالی در قصیده‌سرایی از شاعران بزرگ گذشته همچون منوچهری، انوری، ظهیر، کمال‌الدین اسماعیل و سلمان ساوجی است. قابل ذکر است که کتابخانه‌های بزرگ و غنی سمرقند و هرات زمینه‌آشنایی و انس و تتبع در آثار پیشینیان را فراهم کرده بود به‌گونه‌ای که عموماً تقلید یکی از ویژگی‌های بارز شعرای دوره تیموری است. قصاید هلالی هرچند به سادگی غزل‌های او نیست، چندان دشوار نیز نمی‌نماید؛ ولی به‌هرحال به استواری اشعار شاعرانی که از آنها تقلید کرده نیز نیستند.

منابع

اته، هرمان، (۱۳۵۶)، *تاریخ ادبیات فارسی*، ترجمه رضازاده شفق؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
 اخسیکتی، اثیرالدین، (۱۳۳۷)، *دیوان*، به تصحیح رکن‌الدین همایون فرخ؛ تهران: کتابفروشی رودکی.
 انوری، اوحدالدین، (۱۳۴۷)، *دیوان* (جلد اول)، به تصحیح محمدتقی مدرس رضوی؛ چاپ دوم؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

تمیم‌داری، احمد، (۱۳۸۹)، *عرفان و ادب در عصر صفوی*، تهران: حکمت.

جنگ/اشعار، محفوظ در کتابخانه ملک به شماره ۵۵۹۷.

جنگ نظم و نثر، محفوظ در کتابخانه مجلس به شماره ثبت ۸۷۶۹۸ و شماره بازیابی ۱۳۷۹۴.

مجمع‌القصاید، محفوظ در کتابخانه ملک به شماره ۴۹۴۵.

حافظ، شمس‌الدین محمد، (۱۳۲۰)، *دیوان*، به اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران: زوار.

خاقانی، بدیل بن علی، (۱۳۹۳)، *دیوان*، به کوشش سیدضیاءالدین سجادی، چاپ یازدهم، تهران: زوار.

خواجوی کرمانی، محمود بن علی، (۱۳۶۹)، *دیوان اشعار*، به تصحیح احمد سهیلی خوانساری؛ تهران: پازنگ.

- خواندمیر، (۱۳۸۰)، *تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد البشر* (جلد اول)، زیر نظر دکتر دبیرسیاقی و با مقدمه جلال‌الدین همایی؛ تهران: خیام.
- _____ (۱۳۸۰)، *تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد البشر* (جلد چهارم)، زیر نظر دکتر دبیرسیاقی و با مقدمه جلال‌الدین همایی؛ تهران: خیام.
- _____ (۱۳۸۰)، *تاریخ روضة‌الصفاء* (جلد هفتم)، به تصحیح جمشید کیان‌فر، تهران، اساطیر.
- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- راقم سمرقندی، میر سیدشریف، (۱۳۸۰)، *تاریخ راقم*، به کوشش منوچهر ستوده؛ تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- روملو، حسن‌بیک، (۱۳۵۷)، *احسن‌التواریخ*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: بابک.
- _____ (۱۳۸۴)، *احسن‌التواریخ* (جلد دوم)، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: اساطیر.
- سام‌میرزای صفوی، (۱۳۱۴)، *تحفه سامی*، به تصحیح وحید دستگردی، ضمیمه سال شانزدهم ارمغان، تهران: ارمغان.
- ساوجی، سلمان، (۱۳۶۷)، *دیوان*، به اهتمام منصور مشفق و با مقدمه تقی تفضلی، چاپ دوم، تهران: صفی‌علیشاه.
- سروری، امید، (۱۳۹۳)، «قصیده‌ای از ابوالمعالی نصرالله منشی»، *دوفصلنامه ادب فارسی*، سال ۴، شماره ۲ (پیاپی ۱۳)، صص ۱۲۴ - ۱۱۵.
- شکری، یدالله، (۱۳۵۰)، *عالم‌آرای صفوی*، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۷)، *کلیات سبک‌شناسی*؛ تهران: فردوسی.
- عابدی، کامیار، (۱۳۷۱)، «دل‌حزین‌هلالی (درباره زندگی، آثار و شعر هلالی جغتایی استرآبادی)»، *نشریه ادبستان فرهنگ و هنر*، شماره ۳۳، صص ۴۸ - ۴۲.
- فاریابی، ظهیر، (۱۳۸۱)، *دیوان*، به تصحیح امیرحسین یزدگردی، به اهتمام دکتر اصغر دادبه؛ تهران: قطره.
- قزوینی، یحیی‌بن‌عبداللطیف، (۱۳۸۶)، *لب‌التواریخ*، تصحیح میرهاشم محدث؛ تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- لاهیجی، حزین، (۱۳۷۴)، *دیوان*، به تصحیح ذبیح‌الله صاحبکار تهران: سایه.
- منوچهری، احمد بن قوص، (۱۳۷۰)، *دیوان*، به تصحیح محمد دبیرسیاقی؛ تهران: زوار.
- میرخواند، غیاث‌الدین بن همادالدین، (۱۳۸۰)، *تاریخ روضة‌الصفاء فی سیره‌الأنبیاء والملوک والخلفاء* (جلد هفتم)، به تصحیح و تحشیه جمشید کیان‌فر؛ تهران: اساطیر.
- نوایی، عبدالحسین، (۱۳۷۹)، *رجال تاریخ حبیب‌السیر*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- نوایی، امیرعلیشیر، (۱۳۷۵)، *دیوان*، به اهتمام رکن‌الدین همایون‌فرخ؛ تهران: اساطیر.
- واصفی، محمودبن‌عبدالجلیل، (۱۳۴۹)، *بدایع‌الوقایع*، تصحیح الکساندر بلدروف؛ تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- واله داغستانی، علیقلی، (۱۳۸۴)، *تذکره ریاض‌الشعر* (جلد چهارم)، به تصحیح سید محسن ناجی نصرآبادی؛ تهران: اساطیر.
- وحید قزوینی، میرزاحمدطاهر، (۱۳۸۳)، *تاریخ جهان‌آرای عباسی*، به تصحیح سید سعید میرمحمدصادق؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هدایت، رضاقلی‌خان، (۱۳۸۰)، *تاریخ روضة‌الصفای ناصری* (جلد هشتم: صفویان و افشاریان)، تصحیح و تحشیه جمشید کیان‌فر؛ تهران: اساطیر.
- هلالی، (۱۳۷۵)، *دیوان*، به تصحیح سعید نفیسی؛ چاپ سوم؛ تهران: سنایی.

Abedi, Kamiyar, (1371), "Del Hazin Hilali (about the life, works and poetry of Hilali Joghtai Estrabadi)", *Adbestan Farhang and Honar magazine*, No. 33, pp. 42-48. [in Persian].

Akhsikti, Athir al-Din, (1337), *Diwan*, corrected by Rukn al-Din Homayoun Farrokh; Tehran: Rudaki bookstore. [in Persian].

- Anvari, Ohaddin, (1347), *Divan* (Volume 1), corrected by Mohammad Taqi Modras Razavi; second edition; Tehran: Book Translation and Publishing Company. [in Persian].
- Dehkhoda, Ali-Akbar, (1377), *Dictionary*, Tehran: Publishing and Printing Institute of Tehran University. [in Persian].
- Ete, Herman, (1356), *History of Persian literature*, translated by Rezazadeh Shafaq, Tehran: Book Translation and Publishing Company. [in Persian].
- Faryabi, Zahir, (1381), *Diwan*, edited by Amir Hossein Yazdgerdi, with the efforts of Dr. Asghar Dadbeh; Tehran: Drop. [in Persian].
- Hafez, Shamsuddin Mohammad, (1320), *Diwan*, by Mohammad Qazvini and Qasim Ghani, Tehran: Zavvar. [in Persian].
- Hedayat, Reza Qalikhani, (1380), *History of Al-Safai Naseri* (Volume VIII: Safavids and Afsharids), corrected and updated by Jamshid Kianfar; Tehran: Asatir. [in Persian].
- Helali, (1375), *Diwan*, corrected by Saeed Nafisi; Third edition; Tehran: Sanai. [in Persian].
- Khajoo Kermani, Mahmoud bin Ali, (1369), *Divan of Poems*, edited by Ahmad Sohaili Khansari; Tehran: Pajang. [in Persian].
- Khandmir, (1380), the history of Habib al-Sir in the news of the people of al-Bashr (volume one), under the supervision of Dr. Debirsiyaghi and with an introduction by Jalaluddin Homai; Tehran: Khayyam. [in Persian].
- , (1380), *History of Rozah al-Safa* (7th volume), corrected by Jamshid Kianfar, Tehran, Asatir. [in Persian].
- , (1380), the history of Habib al-Sir in the news of the people of al-Bashr (volume four), under the supervision of Dr. Debirsiyaghi and with an introduction by Jalaluddin Homai; Tehran: Khayyam. [in Persian].
- Khaqani, Badil bin Ali, (2013), *Diwan*, by Seyyed Diyauddin Sajjadi, 11th edition, Tehran: Zavvar. [in Persian].
- Lahiji, Hazin, (1374), *Diwan*, edited by Zabihullah Sahibkar, Tehran: Sayeh. *Majma-ul-Qasa'id*, stored in Malik library under number 4945. [in Persian].
- Manouchehri, Ahmad bin Qus, (1370), *Diwan*, edited by Mohammad Debirsiyaghi; Tehran: Zavvar. [in Persian].
- Mirkhwand, Ghiyas al-Din bin Hamam al-Din, (1380), *Tarikh al-Ruzh al-Safa fi Sireh al-Anbiya, al-Muluk al-Khalifa* (7th volume), corrected and updated by Jamshid Kianfar; Tehran: Asatir. [in Persian].
- Navaei, Abdul Hossein, (1379), *Habib al-Sir's History Men*, Tehran: Association of Cultural Artifacts and Treasures. [in Persian].
- Navaei, Amir Alishir, (1375), *Diwan*, with the attention of Ruknuddin Hodayun Farrokhi; Tehran: Asatir. [in Persian].
- Qazvini, Yahya bin Abd al-Latif, (1386), *Lab al-Tawarikh*, corrected by Mirhashem Mohaddath; Tehran: Association of Cultural Artifacts and Honors. [in Persian].
- Raqem Samarqandi, Mir Seyed Sharif, (1380), the history of Raqem, thanks to the efforts of Manouchehr; Tehran: Dr. Mahmoud Afshar Endowment Foundation. [in Persian].
- Romelu, Hasan Beyk, (1357), *Ahsan al-Tavarikh*, edited by Abdul Hossein Navaei, Tehran: Babak. [in Persian].

- , (1384), *Ahsan al-Tawarikh (Volume II)*, by Abdul Hossein Navaei, Tehran: Asatir. [in Persian].
- Sammirza Safavi, (1314), *Semitic gift*, edited by Vahid Dastgardi, supplement of the sixteenth year of *Armaghan*, Tehran: *Armaghan*. [in Persian].
- Sarvari, Omid, (2013), "A poem by Abul Ma'ali Nasrallah Manshi", *Persian literature bi-quarterly*, year 4, number 2 (13 in a row), pp. 115-124. [in Persian].
- Savji, Salman, (1367), *Diwan*, edited by Mansour Mushfaq and with an introduction by Taqi Tafzali, second edition, Tehran: Safi Alishah. [in Persian].
- Shamisa, Siros, (1377), *generalities of stylistics*; Tehran: Ferdowsi. [in Persian].
- Shokri, Yadullah, (1350), *Safavid Scholars*, Tehran: Farhang Iran Foundation Publications. [in Persian].
- Tamim Dari, Ahmad, (2009), *mysticism and literature in the Safavid era*, Tehran: Hikmat. [in Persian].
- Vahid Qazvini, Mirzam Mohammadtahir, (1383), *History of Jahanarai Abbasi*, corrected by Seyed Said Mirmohammedsadeh; Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies. [in Persian].
- Valeh Daghestani, Aliqli, (2004), *Riaz al-Shaara tazkira (fourth volume)*, edited by Seyyed Mohsen Naji Nasrabadi; Tehran: Asatir. [in Persian].
- Wasfi, Mahmoud bin Abd al-Jalil, (1349), *Bada'i al-Oqa'i*, edited by Alexander Beldrov; Tehran: Iran Culture Foundation. [in Persian].